

## بیانیه نویضیحی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
درباره "جنگ ایران و عراق"

## جنگ ایران و عراق بنفع توده های دوکشور نیست

و ملح اجتماعی "با بورژوازی خودی در هنکا مجنک را در صفوغ جنبش کارکری و کمونیستی رواج میدارد . "دفاع از میهن" در برابر برخواز را میرایلیستی ! از این با رژیم در برابر "ضد انقلاب مغلوب" ! "ایجاد هسته های مقاومت فقط در برابر طرف متوجه وزرا و حتی نامنوبی در ارتش ۲۰ میلیونی ! - این است تما آن اباظل رویزیونیستی که امروزه به این اسم "دفاع از انقلاب" به خورد توده های خلق داده می شود .

## جنگ ادامه سیاست از راه های دیگر است

لئن می کوید :

"جنگ ، ادامه سیاست از راه های دیگر است . تمام اینها از سیستم های سیاسی که آنها را بوجود می آورند ، جدایی ناپذیر هستند . سیاستی که یک دولت معین ، یک طبقه معین در آن دولت برای مدتها نیای قبیل از جنگ تعقیب می کرد ، بتاکری توسط هر طبقه در دوران جنگ ادامه می باشد ، و تنها شکل سه تغییر می یابد ." (جنگ و انقلاب) جنکی که امروز بیان دور زیم رتحا عی ایران و عراق آغاز شده است ، نتیجه اندجاج از سیاست طبقاتی این دور زیم قبل از جنک اشد . خلقت این جنک را نمی توان از یک کدا میک جنک را اول شروع کرده اند (چیزی که هر یک از رژیم های ارتخا عی سعی میکنند بیکدیکر نیست دهد ) توضیح داد ، بلکه این خلقت را باید از خلقت طبقاتی دور زیم توضیح داد . لئن می کوید :

"شخص عاری از معرفت نمیتوان تدبیح مدد که جنک ادامه سیاست است درنتیجه خود را به این فرمول بندی محدود میکند که "دشمن به ما حمله کرده است" ، دشمن به کشور من هجوم آورده است .

بدنبال درگیریها مسلحه عراق و ایران در غرب کشور ، روز دو شنبه ، رژیم فاشیستی عراق بـ اقدامات تجاوز کارانه و گسترده ای دست زد و جنگ نقطه ایران (از جمله تهران ، اهواز ، همدان ، تبریز ...) را مورد حمله هواشی خود قرار داد . در این حملات تجاوز دهها تن از توده های خلق ما زخمی ویا کشته شدند . در برابر این اقدامات ، رژیم جمهوری اسلامی نیز مقابله باشد . مقاله برش خاسته و چند نقطه از خاک عراق را مورد حمله و تجاوز هواشی قرار میدهد و بدین ترتیب درگیریها رژیم عراق و ایران به نقطه جدیدی رسیده و به یک جنگ کسترده میان دور زیم تبدیل می شود ، جنگی که همچنان ادامه دارد . ما هیت این جنگ چیست ؟ علمت این درگیریها کدام است و اهدافی که دور زیم در این جنگ دنبال میکنند چه می باشد ؟ موضع کمونیستها در برابر این جنگ چه باید باشد ؟ ... اینها سوالاتی است که ما می کوشیم بطور فشرده به آن پاسخ گوئیم .

جنگ ایران و عراق ،  
یک جنگ غیر عادلانه است :

جنگ ایران و عراق یک جنگ غیر عادلانه و فربیض کارانه است . غیر عادلانه است چون در خدمت رژیمهای ارتخا عی هردوکشور بوده و برای کارگران ، دهقانان و تمایز حمتکشان ایرانی و عراقي جرم میگشت ، فقر ، کشتار و آوارگی بیان خواهد ورد . فربیکارانه است چون به هیئت حاکمه ارتخا عی هردوکشور اجازه میدهد که برای سرکوب انقلاب ، افکار مسموم "میهن پرستی دروغین" و شوینیسم فراسیا عرب را در میان توده ها رواج داده و ذهن کارگران ، دهقانان و حمتکشان شهری را از مسئله "داخلی" منحرف سازد . خلقت فربیکارانه این جنگ ، شوینیسم ملی در میان توده ها و رویزیونیسم

(۲) منطقه‌دچار "نا آرامی ها" و بالا مدن جوانقلابی شودهاست. رشد مبارزه طبقاتی و سراسی در عراق رژیم فاسیستی بعثت را بدستگای پیواداشتاد است. از سوی دیگر بخش مینمی از جمعیت عراق را شیعیان تشکیل میدهدند که بدلیل فقر و سعی آنهاست، تحت اموریت مذهبی رهبر ان و سازمانهای سیاسی ارتقا عی شیعی قرار داردند. رژیم ایران میکوشتا با تکیه بر نقش مذهب شعاع در میان این بخش از جمعیت عراق و توسط سازمانهای سیاسی ارتقا عی نظر "حزب الدعوه" و "سازمان پیکار اسلامی عراق" جنبش زحمتکشان شیعه عراق را بر علیه رژیم ارتقا عی بعثت به انحراف بکشاند و تحت سلطه و نفوذ مستقیم خود فرازدند. بعثوان و سلیمانی برای تحریک آنان بر علیه رژیم ارتقا عی "عراق سپاه کبیری" نماید. مضمون "دوران نقلاب اسلامی" (بخوان دور رضادا نقلاب) رژیم جمهوری اسلامی، به عراق جزئی جزم‌حرف کردن این مبارزه طبقاتی از محراجی واقعی خود را کشاند آن بمحراب ارتقا عی نمی‌باشد این عامل، یعنی رشد مبارزه طبقاتی در کشور عراق و تلاش رژیم ایران برای سوارشدن بر آن و بهره‌گیری از آن بنتفع اهداف ارتقا عی خود گویندی از اساسی ترین علل حرکت رژیم عراق در جنگ کویتی است رژیم عراق در مقابله با این سیاست رژیم ایران، از راههای گویا کویتی منحمله اخراج وسیع شیعیان تحت ستم عراق، که به وجود المال حدا این تضادها و درگیری و اهداف ارتقا عی دور رژیم تبدیل شده‌اند، پرداخت و در ادا مه‌حرکت مقابله‌جویانه خود در متدادرشان این تضادهاست که وارد دریک جنگ تما معبا ریا رژیم ایران کردیده است، واضح است که در این زمان که رژیم جدید ایران هنوز نتوانسته خود را "ثبت" کند، فرصت مناسبی است برای رژیم ارتقا عی عراق که از موضع قدرت حرکت کرده و در پناه توائی های رزمی خویش به آنها فوی بررسد. آنچه که بورزه رژیم عراق را در شروع و تداوم وکیلش این جنگ، با بر جا ترمی کند، نا راضایتی وسیعی است که بتدربیج تسبیت به رژیم جمهوری اسلامی در میان توده مردم ایران شکل گرفته و کشترش می‌باشد رژیم عراق میکوشندی فریبکارانه از این موج نارضایتی بعنوان یک ترکیب طلاقی "برای دست زدن به اندامات فوق، از موضع قدرت و تحت فشار قراردادن رژیم ایران بسیار جویید. در واقع رژیم عراق میکوشتا با این حرکات و اقدامات، و در نتیجه بی آمد های آن، نا راضایتی شوده مردم را عمق وکیلش بیشتر بخشدیده و راه برای تقویت جناحی می‌ستقیما و باسته بورزه از زی و دار و دسته های مزدورو را رتقا عی محلی در مناطق مختلف، که اکنون مشترکا بدسته چیزی بر علیه خلقهای ایران مشغولند پردازد. علاوه بر این عامل دیگری که در این راه به

بدون اینکه بنا نماید که موضوعاتی در جنگ مطرح نند، کدام طبقات بدان جنگ دست زده اند و باید دو چه منظورهای سیاسی ای. اکارکاتوری از مارکسیسم و اکونومیسم امیریا لیستی اینکه موضع قوا دو طرف در جدحالت است، تباخمی یا تدافعی، "ححلت" جنگ را نشان نمیدهد و دلیلی بر حقوق بودن یا ناقص بودن نکی از دو طرف نیست. بقول لتبین: "کاراکتر اجتماعی جنگ - یعنی معنی واقعی آن - توسط موضع قوا دشمن تعین نمی‌شود (آنچنان که "سوسیالیستهای انقلابی" و "مشویکی‌بامی‌بیندارند). این سفر و در آن سفر و درین بدان اینکه این کاراکتر را تعین می‌کند همانا خط مشی ای می‌باشد که جنگ ادا مده آن بوده (جنگ ادا مده است است) طبقه‌ای که به آن دست زده و اهدا فی که بخاطر آنها بدان جنگ دست زده می‌باشد" (فاجعه قریب الوقوع و جکونکی مبارزه با آن).

## هر جنگی، بد نیست

اگر جنگ، ادا مده است یک طبقه از زرا هیای دیگر است پس واضح است که می‌باشد یک طبقه انقلابی نیز نمی‌تواند منجر به یک جنگ انقلابی و عادلانه علیه طبقه ارتقا عی نکردد. لتبین می‌کویید: "جنگ داریم تا جنگ، جنکهای ما جرا جواب‌دادی است که برای پیش‌ردمان اع دو رانی، برای اراضی اشتھای دسته‌های راه هنر، برای بدهاری بدهان دست زده آهاد ف سلطان سود سرما بدهاری بدهان دست زده می‌شود. و جنکی از نوع دیگر و جوددا رد - تبا جنکی که درجا مخدوس را بدهاری برحق است: جنگ بر علیه برده کنندکان و سلطه طلبان بر مردم، تبا او و توبیت ها و بی داشان می‌توانند جنگ را در اموال محکوم نمایند. (ارتش انقلابی و حکومت انقلابی)

## جنگ ایران و عراق، سرشت ارتقا عی دارد

در عراق، رژیمی بر سر کار است که مدافعان منافع بورزه ازی وزمین‌داران عراقی بوده و در خدمت امپریا لیستی است. این رژیم از دیرباز زخواتار کنترل بر خلیج فارس و شیخ نشین های آن بوده و بخصوص تسبیت به مناطق نفت خیز خوزستان که خلیج عرب ایران در این منطقه ساکن است، نظردارد. بعلاوه این رژیم مدتی است که ما نشند تما مرجیم‌های ارتقا عی

رژیم عراق کمک میکند، نا آگاهی خلق عرب ایران است (۳) استفاده از این جنگ برای تشییت پایه های رژیم ارتقا عی خود.

## نقش امپریالیستها در بهره برداری از جنگ ایران و عراق نباید فراموش کرد

رژیم های ارتقای ایران و عراق علیرغم آنکه هر دو جزئی از سیستم جهانی امپریالیسم و نظم مستعمراتی آن بوده و به اشکال مختلف به امپریالیسم و استه هستند، ولی هیچ کاری را نمی توان در بست کارکار امپریالیسم نماید. (آنچنان که مثلاً رژیم شاه کارکار امپریالیسم آمریکا بود) رژیم بعثی عراق با سوسیال امپریالیسم روسیه دارای روابط بسیار نزدیکی است و قرار داد ۱۹۷۲ بین عراق و روسیه، سوسیال امپریالیسم را متعهد کرده است که تما مسلیحات جنگی عراق را به کند. در مقابل این رژیم درسالهای اخیر نسبت به امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی نیز توجه نیدا کرده و با آنها نیز وارد قراردادهای مختلف شده است. وضع رژیم جمهوری اسلامی نیز روشن است. این رژیم علیرغم ینکه کارکار رهیج امپریالیستی نیست ولی در صدد آن است که بمحورت جدی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیستها را زسازی کند و خواه در این راستا در بسیاری از محدوده های این رژیم حفظ وابستگی به نظام امپریالیستی و امپریالیستها مختلف است.



اکنون که در منطقه ما شعله های انقلاب زبانه میکشد، اکنون که خلقهای ایران، ترکیه، عراق، افغانستان و... برخاسته و در مقابل طبقات استثمار - گر خودی و امپریالیستهای لیگاتها استاده اند، امپریالیستها و بیویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی میکوشندتا با توطئه چینی در اشکال مختلف، به سرکوب انقلاب در منطقه پرداخته و در عین حال از این نمکلاهی برای خود بگیرند. سوسیال امپریالیسم شوروی به افغانستان لشکر میکشد و امپریالیسم آمریکا در ترکیه کودتا میکند. جنگ شوینیستی عراق و ایران نیز مینهای است که از طریق آن امپریالیستها میکوشندتا هم به سرکوب انقلاب در هردو کشور ایران و عراق بپردازند وهم آن را به عرصه ای برای رقابت با یکدیگر بر سرتا مین سلطه خود تبدیل نمایند.

علاوه بر این امپریالیسم آمریکا، در حال حاضر و بد لایل متعددی که جای بحث آن در اینجا نیست و از جمله میتوان از تضاد معنی که میان اولویت حاکمه

رژیم عراق کمک میکند، نا آگاهی خلق عرب ایران است که میتواند زمینه مناسبی برای رشد ایده های ارتقا عی و مبنی بر تاسیس یک "عراق بزرگ" باشد. رژیم ارتقا عی صادم حسین به بنا نهاد زیر پا گذاشتند" توافق الجزایر" توسط ایران، میکوشندتا بر خصلت تجارت کارانه و ارتقا عی این جنگ سربوش گذا رده و خود را در برابر توده های عراق محق جلوه دهد.

در مقابله، رژیمی در ایران حکومت میکند که از ابتدای "غصب" قدرت در قیام میهمن ما با زحمتکشان قیام مکننده ایران، جزیه احیاء نطا مسرما میداری وابسته به امپریالیسم فکر و عمل نکرده و در مقابل کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری از سرما میداران و استثمار - گران دفاع کرده است. این رژیم خصلت ارتقا عی داشته و درنتیجه سیاست آن نیز نمیتواند ارتقا عی نباشد. نا توانی رژیم در "تشییت" خود و تداوم اعتلاء انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی را واداشته با هر شکل که میتواند به سرکوب انقلاب دست بزند. چه بصورت خشن و عربیان آن همچون سرکوب کردستان، و چه بصورت لبیران نمائی ها و گرفتن زست ضا امپریالیستی بخود درمowa قعی که لازم است. اوسعی میکنندتا "امتیاز" بزرگی را که دارد از دست ندهد و این امتیاز همان توهمند و خوش باوری است که بخش عظیمی از توده ها نسبت به این رژیم را نند. رژیم جمهوری اسلامی نه فقط در داخل سعی میکنندتا به اسم جاری کردن "قانون الهی" توده های زحمتکش را سرکوب نماید، بلکه در سیاست خارجی نیز به اسم "مذور انقلاب اسلامی" در پوشش ا توبیسم خرد بورژواشی و مذهبی و با تکیه بر شوینیسم بورژواشی، هدفهای تجاوزگرانه بورژوازی ایران را می پوشاند. هما نظر که گفتیم وجود در مقابل توجهی از مسلمانان شیعه در عراق، زمینه مساعی است که رژیم جمهوری اسلامی میتواند تبلیغ در میان آنها و کمک به گروههای ارتقا عی اسلامی چون "حزب دعوت اسلامی" نیات بورژواشی خود را پیدا کند. بعلاوه، جنگ با عراق بمثاله جنگ اسلام با کفار رقلمدار شده و سعی میشود تا خصلت طبقاتی آن پوشانده شود.

بدین گونه منظور رژیم های ارتقا عی بعثت و جمهوری اسلامی علاوه بر نیات توسعه طلبانه آنها، سرکوب انقلاب و منحرف کردن ذهن توده های کارگر و دهقان و دیگر زحمتکشان از مسئله "داخلی" بسوی یک دشمن "ملی" است. این سیاستی است که نه تنها رژیم - های فوق، بلکه رژیم شاه و تمام مرژیمها ارتقا عی در سوا سرتا ریخ به آن دست زده اند. یعنی بر اندختن یک جنگ و درگیری خارجی و بسیج توده ها به حول آن تحت نا مفریکا را نه "جنگ ملی" و منحرف کردن مبارزه طبقاتی و بحران انقلابی درون کشور و بدین ترتیب

(۴) فرماندهان مزدور و رژیم ارتقا عی حاکم بر کشور خود که حامی منافع سرمایه داران و امپریا لیستها هستند باشد.

تبديل جنگ تحملی طبقات حاکم و کشور به جنگ انقلابی رحمتکشان دوکشور علیه این طبقات - این است تنها شعار رواقی از موضوع پرولتاریای ایران و عراق - این است تنها خط مشی صحیح که میتواند توده های رحمتکش دوکشور را از داشتن بیسم دروغین فارس و عرب رها نماید و به همبستگی انقلابی سوق ذهد - این است تنها شعار صحیح که میتواند از ادامه این جنگ خدا انقلابی جلوگیری نماید.

## سویاں شوینیستهای وطنی راه را برای نتیجه ضد انقلاب آماده می کنند

این جنگ، همچنان که مثلاً واقعه اشغال سفارت آمریکا، گرایشات رویزیونیستی را پروری داده و به رشد رویزیونیسم و تبلیغ ایده های سازشکارانه در جنبش کارگری داشته است، رویزیونیستهای رنگارنگ هریک میکوشندتا با عدالت خواندن جنگ ایران علیه عراق، خصلت ارتقا عی جنگ را ازدواج نب انکار کرده و بدین گونه دست به تبلیغ ایده های خیانت - آمیزسا زش توده ها و رژیم ارتقا عی جمهوری اسلامی بزنند. برگ برندۀ آنها هم طبق معمول همان ایده پوسیده و رسوا شده "امپریا لیسم درخراج از مرزها" ، "امپریا لیسم بدون پایکا هدا خلی" و امثال اینهاست. آنها به عمد، فقط طرف عراق را ارتقا عی و "عا مل امپریا لیسم" خوانده و از ارتقا عی خواندن طرف مقابل خودداری می کنند.

سردسته این رویزیونیستها، حزب توده خائن است اواز مردم و بخصوص "کمونیستها" میخواهد تا در "سیاه مستضعفین" برای جنگ نا منویسی کنند. به عبارت دیگر از کمونیستها و توده های رحمتکش میخواهد تا کوشت دمتوب ارتقا عی شوند. آبا این راهی بهتر برای خدمت به ارتقا عی وجود دارد؟ رویزیونیستها فدائی (اکثریت) میکوشند تا این همکا می باید صلح " مقاومت در مقابل تهاجم امپریا لیستی" رژیم حاکم را تحت پوشش "دفاع از انقلاب" بپوشانند. ما از آنجا که آنها انقلاب را بهره برداریم خمینی قبول دارند، پس واضح است که دفاع از انقلاب "نمی تواند مفهومی جز دفاع از جمهوری اسلامی داشته باشد.

احزاب کمونیست در گذشته بارها در کنار رنیروها و انقلابی دیگر را یستاده و متحدان علیه ارتقا عی جنگیده - اند. در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۴ حزب کمونیست چین همراه

ایران و بخصوص جناحهای معینی از آن وجود دارد (۵) برد، سیاست تحت فشار قرار دادن هیئت حاکمها برای از طرق مختلف جنسی ای انتقامی و جمنظامی و تقویت و تحریک جناحهای مستقیماً وابسته آمریکا مانند داده و دسته مزدور بختیار و پالیزیان و حمایت از بورژوازی بیکه خود را ایران را در پیش گرفته است . انتقام این دور شده تصاد معین در قبال ایران، هموئی و انتقام کنونی سیاست امپریا لیسم آمریکا و رژیم عراق را در رابطه با جنگ کنونی، باعث شده است و تنها از این زاویه است که میتوان توطئه های امپریا لیسم آمریکا را که سعی میکنندتا از طریق تجاوزات نظامی عراق به خاک ایران، به رشد ضاد انقلاب در ایران و سرکوب هرچه بیشتر انقلاب کم نماید، تفسیر نمود . رژیم ارتقا عی ایران سعی میکنندتا با مظلوم نمائی این حملات را "تجاوزاً و زا میریا لیستی به یک دولت انقلابی" قلمداد کنند از زاویه فوق واضح است که در این جنگ ارتقا عی، امپریا لیستها هم نقش دارند ولی این مسئله ذرها ای از خصلت نا عدالت بودن جنگ، از هردو طرف کم نمی نماید .

## تبديل جنگ ارجاعی دو رژیم علیه خود آنها نهاشعار واقعی است

پس اگر سرشت این جنگ ارتقا عی بوده و از هردو طرف غیر عادلانه می باشد، واضح است که کارگران، دهقانان و رحمتکشان ایرانی و عراقی نباید در این جنگ تحملی که سرمایه داران، زمینداران و امپریالیستها به آنها تحمیل کرده اند، شرکت کنند "دفاع از میهن" ، "دفاع از اسلام" و ... هیچ نیست مکرس پوشش سایی بورژوازی برای پوشاندن مقاصد ای خود . "میهنی" که در آن سرمایه داران و وابستگان به امپریا لیسم حکومت می رانند هیچ گاه نمیتواند "میهن" کارگران و دهقانان باشد. بورژوازی عراق و ایران و امپریالیست - های متوجه و زمیکوشندتا رحمتکشان هردو کشور را "گوشت دمتوب" کرده و یکی را به ایم "دفاع از اسلام" و دیگری را به ایم "دفاع از عراق بزرگ" گویی بزنند . رحمتکشان ایران و عراق هردو باید لوله تفنگ را به سوی حکومتها خودی بگیرند. آنها با یدد رجندگ انقلابی خود سیاست انقلابی خود - یعنی سرنگونی رژیمها ای ارتقا عی و برپا کردن حکومت کارگران و دهقانان و دیگر رحمتکشان را ادا مدهند . سربازان هردو کشورها باید دست برادری بیکدیگر داده و در مقابل

(۸) حفظ صفت **بسته** پرولتاری، اعلا بحثیو، خدا را می‌نماید. ری اسلامی غلب همای جمهوری است. بلکه در اساس خود بدمفیوم قیام علیه هر دو حاکمیت و بمنظور ایجاد تضاد تودهای است. این همان راهی است که قدرت تضاد را کردیده است آن را می‌پسندید.

بدست کرفتن سلاح درگیری می‌شوند. قیام علیه جمهوری اسلامی "قیام علیه" حکومت سرما بیدادان و بمنظور ایجاد حکومت زحمتکشان. این فقط ادامه سیاست انقلابی و مستقل پرولتا ریا در جنگ است که به جنگ او خصلت مستقل نمیدهد زیرا پرولتا ریا اکثر از موقع خود (وندمعنوان گوشت دست پورژوازی) در جنگ وارد شود، این معنای دیگری سازه حجز قیام علیه بورژوازی، واکرکارکران و دهقانان و سایر زحمتکشان از موقع مستقل به جنگ وارد شده این معنای دیگری ندارد. حجز قیام علیه می‌پریا لیسم و سرما بیدادی و باستد حاکم در بران.

## بدست گرفتن سلاح (قیام) کار توده‌هاست

قیام‌ها کار توده‌هاست. روشنکر پرولتا ریست نمی‌تواند جدا از توده‌ها و بدون جلب نظریات ثابت‌آیند. دست به سلاح برد. اما اینکه توده‌ها کی آمادکی قیام می‌یابند، بستکی به یک مجموعه عوامل عینی و ذهنی دارد که به آن "ثابت موقعيت انقلابی" می‌کویند. اکثر جا مفعبه موزع موقعيت انقلابی ترسیم شده باشد، واضح است که صحبتی هم از قیام توده‌ای نمی‌توان کرد. بنا بر این اکرها در گردستان سلاح بر می‌کنیم، سلسیل آن است که توده‌های خلق کرده‌چه رتره‌های آن به رژیم جمهوری اسلامی نبوده و آماده قیام نبینند. آن هستند. به همین ترتیب ما علی‌غم آنکه از هم کشون به تبلیغ تحریم این جنگ و تبدیل آن به جنگ انقلابی علیه رژیم‌ها دوکشور می‌زیمیم. ولی از شعار به عمل در آوردن آن را مشروط به شرایطی می‌کنیم که خود توده‌ها آماده‌این کار نباشد. بعبارت دیگر در متن طنز که توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دچار توهشم هستند مانع توانیم اسلحه ساختیست کنیم. بلکه با یک توده‌ها را آکا ده‌زیم. بدین‌سازان و سربازان بکوشیم که این جنگ تحملی است و آنها نباشند خود را بخاطر منافع بورژوازی بدکشند. همچنان که از کمونیستها و انقلابی‌ون عراق نیز می‌خواهیم که همین پیام را بین سربازان خود ببرند. برای تودهای توضیح میدهیم که بیرون کردن "عراق متوجه ایجاد را رساند" که فقط بدعا داده‌ها کمیت جمهوری اسلامی منجر شود.

مانا سیونا لیستهای گومیندا در لشکرکشی به شمال برکت کرده و علیه دیکتا تورهای نظامی و امپریالیستی بتحدا جنگیدند. ولی احزاب کمونیست همیشه جنگیدن همراه متفق را منوط به حفظ صفت مستقل پرولتاریا "کردند.

اکنون رویزیونیستهای فدائی مرتكب سخطی رویزیونیستی می‌شوند. اولاً: رژیم رشجا عی را رژیم‌پردازیا لیست خوانده و به این وسیله در مقام دفاع از حاکمیت ارجاعی آن بر می‌آیند.

ثانیاً: بر ما هیت جنگ کنونی سربوش می‌کذا رند و مضمون و ما هیت طبقاتی آن را ایجاد می‌کنند. ثالثاً: حتی در همان "بنداشت" رویزیونیستی خود نیزد چاریک خطای دیگر رویزیونیستی می‌شوند، به این مفهوم که بجا ای حفظ صفت مستقل در برابر این با مطلاع "متعدد" مپریا لیست هزمونی این رژیم را پذیرفته و هواداران خود را توده و طبقه کارکر را به گوشت دم توب شدن برای بورژوازی ترغیب می‌کنند. آنها حتی بفرض "ملی" بودن رژیم‌هم، بهداشت رویزیونیستی را هر دشغیر سرما بیداری "یعنی نفی هزمونی" پرولتا ریا برای نقلاب دمکراتیک می‌افتند.

برخی شیروها دیگر نیز هستند که از را ویدیکر به همین موقع سوسیال شوینیستی می‌افتد. آنها رژیم جمهوری اسلامی را ارجاعی می‌خواهند ولی در عین حال معتقد هستند که "مدخلق میتواند ضد امپریالیست هم باشد"! درنتیجه مروز، آنها تبلیغ ایجاد "هسته‌های مقاومت فقط بر علیه‌خدا نقلاب مغلوب" را می‌نمایند. واضح است که این تزنیمیتواند در خدمت پرولتاریای ایران و عراق باشد. جراحته تنها خصلت تجاوزگرانه را به یک طرف نسبت داده و در نتیجه مجبور است که در تحلیل خود به‌ضد امپریا لیست بودن طرف دیگر بررسد.

## بدست گرفتن سلاح، یعنی: قیام برای کسب قدرت توده‌ای

اگر شما را تبدیل جنگ ارجاعی دو بورژوازی به جنگ علیه هر دو بورژوازی باشد، واضح است که بدت کرفتن سلاح و از قوه به فعل در آوردن این شعار، نمی‌تواند معنای دیگری بدهد حکم کوش برای ایجاد قدرت تودهایی، قدرت کارکران و دهقانان. ما اکثر سلاح بدت گیریم، نمی‌توانیم پس از بیرون کردن عراق، این اسلحه را تقدیم رژیم کرده و خود مرخص شویم!

(۶)

ا هداف انقلاب بکار گیرند. این نتایج و آثار، با توجه به خطرات فوق، بیش از هر زمان دیگری هشیاری و آمادگی کمونیستها را درجهت بهره‌گیری ازا وضاع در جهت رشد انقلاب، کانالیزه کردن نا رضایتی توده‌ها بر علیه بورژوازی حاکم در مجرای انقلاب و مقابله با آلتربنا تیوهای ارتقا عی فوق، طلب می‌کند. کمونیستها می‌باشد خود را برای تدارک عملی تبدیل این جنگ ارتقا عی به جنگ داخلی و گسترش روندا عتلای انقلابی درجهت انقلاب توده‌ای از هرجهت آماده‌نمایند. این است آن وظایف عاجلی که هم‌اکنون بر عهده آنهاست.

## باید در کار تبلیغ و سازماندهی بویژه به خلق عرب ایران توجه کرد

خلق عرب ایران که اکثر ادریخوزستان ساکن هستند بدلیل فقدان یک جریان انقلابی قوی در میان خود، درک صحیحی از مبارزه ملی نداشته و وزمینه مناسی برای ایده‌های شوینیستی و توسعه طلبانه رژیم بعثت عراق هستند. این توده‌ها که از دست درندگان ایرانی به عذاب آمده‌اند بیمهوده می‌خواهند خود را به کام درندگان عراقی بیفکنند!

خبرها شی که میرسدنشان میدهد که در پی اشغال بعضی از مناطق مرزنشین از سوی عراق، در بعضی از روستاها عرب‌نشین ایران، پرچم عراق بالا رفته است. این نشان میدهد که این توده‌ها نسبت به رژیم عراق دچار رتوهم هستند و تحت تاثیر تمايلات ارتقا عی بورژوازی عرب و نیروهای ارتقا عی وابسته به آن در خوزستان قرار دارند. ما باید به کار تبلیغی شدید در میان آنها پرداخته و هما نظرور که به پا کردن شوینیسم فارس از ذهن آنان می‌پردازیم، افکار شوینیسم عرب را از مغزاً آنها بزداشیم.

## پیولتاریا و کمونیستهای ایران و عراق دارای منافع واحد هستند

در جنگی که سرما یه‌داران ایران و عراق بپاکرده و میریالیستها از آن سود می‌برند، پیولتاریا و کمونیستهای ایران و عراق دارای منافع واحد هستند آنها باید در مقابل تبلیغات شوینیستی بورژوازی خودی ایستاده و آنرا برای توده‌ها کشور خود را فشا

نمی‌توانند برای توده‌های زحمتکش ایرانی گره‌کشند. بیرون رفتن این متوجه زوقتی برای توده‌ها مفید است که به حاکمیت خود آنها بینجامند. زحمتکشان نباید کوشت دمتوب حاکمیت بورژوازی چه خودی، وجه غیر خودی شوند.

## درجایی که توده‌ها آماده‌اند، قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ای و در مناطق دیگر تدارک آن مطرح است

در میان طبقی که توده‌ها آماده بدت گرفتن اسلحه هستند، ما باید هسته‌های مقاومت را علیه هردو حکومت ارتقا عی بوجود آوریم. ولی در میان طبق دیگر که این آمادگی هنوز وجود ندارد، کارمندان بین‌دارک سی‌سی (کار تبلیغی و افشاکرانه پیرا مون جنگ) و تدارک سازمانی (بسیج و تشکل توده‌ای) محدود گردد. بلکه باید به تدارک نظامی برای تبدیل جنگ ارتقا عی کنونی به جنگ داخلی علیه بورژوازی خودی نیز پرداخت. کار تدارکاتی، از آن جهت ضرورت دارد که با توجه به مجموعه شرایط و اعلای انقلابی در سطح جامعه، چشم‌انداز جنگ داخلی نزدیک ترمی ننمایند. "جنگ داخلی" انداده تارکاتی نزدیک ارتقا عی شوینیستی فعلی به ای که در واقع تبدیل جنگ ارتقا عی شوینیستی فعلی به یک حکم انقلابی است. آنچه که نزدیک تر شدن این چشم‌انداز را کواهی میدهد، عوارض و نتایج ناشی از این جنگ است. اگرچنانچه این جنگ ادامه‌یابد، بحران‌های اقتصادی ابعاد مددچندان بخود می‌کشد و فقر و فلاکت مردم و فشارهای ناشی از آن، را گسترش بیسا بقهوده شتابی می‌بخشد. عالمی که برآباد نارضایتی و اعتراض و مبارزه طبقاتی درجا معدی بشایعی افزاید، علاوه بر آن، ارتقا عی مغلوب و ارتقا عی بگیرد و دست به توطئه چینی و حرکات ارتقا عی بمنظور سوارشدن برای موج نارضایتی و کانالیزه کردن آن درجهت اهداف ارتقا عی خود بزند. این خطرو ارتقا عی می‌تواند از طرق گوناگون (متجملمه از طریق کودتا) امکان تحقق یابد. مجموعه‌ای شرایط آثار و نتایج، که تبدیل جنگ ارتقا عی فوق را در صورت ادامه به جنگ داخلی می‌توان در تسریع کند، وظایف سنتگینی را بر عهده کمونیستها و نیروهای انقلابی قرار میدهد. ثابت‌توانند از شکل گیری و امکان تحقق هرگونه آلتربنا تیوهای ارتقا عی، چه از طریق کودتا و چه از طرق دیگر جلوگیری نمایند و مجموعه‌ای شرایط را درجهت

(۷) سازند. آنها با بدبودهای توضیح دهنده "مین" سرما بیداران "همان کیف پول آنها بود و پرولتا را با توode‌های زحمتکش هیچ‌کجا نباشد. در این میان دروغین برخیزند، بلکه بر عکس تنها با دفاع از کشور اتفاق رخورد و در تما منطقه است که میتوان به دفاع از میان کارکران و دهقانان پرداخت.

برابر چنین آشنازی کنی و کیج سری نمیتواند آسان باشد. ولی بی کمان اگر سری خواهیم بود و مرا باز اجتنما عی "نرورزیم، اگر نمی خواهیم بود و مرا حاذد هیم کدبا آغاز جنگ خدا نقلابی، رونق انقلابی بوده‌ها را از میان بردارد، و این است که جوانان حاره‌ای سد زده توode‌ها بی شک بزودی متوجه خواهند شد و باید رای دمتوب سرمایه‌داران و میراثیان را بدست ببری خلاصی از جنگ آنان، جزییکا ربرا ایجاد جنگ روزی دمکراتیک خلق را دیدکری ندانند.

یک نمونه‌تا ریخی از جنبش کمونیستی روسیه میتواند برای ما سرمشق خوبی باشد. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، وقتی که دولت ارتقا عی کرنیکی برای غلبه بر جنبش انقلابی تووده‌ای کما کان به سیاست "جنگ" ادا می‌کند و بلوشیکها در مقابل اس ازها و منشیکها که جانب کرنیکی را گرفته و "دفاع طلب" شده بودند، به تحریم جنگ و تبدیل آن به جنگ داخلی می‌پرداختند، استالین با چنین جملاتی از آن موقع یاد می‌کند:

"کامبیزی های تاکتیکی بطور عالم کامبیزی استراتژیک را می‌نمایند. وظیفه تاکتیک در این است که توode‌ها را بتحوی درمیان رزه‌های بزرگ نمایند، آنچنان شعرا رهایی بدهد، توode‌ها را در آن چنان موضعی قرار دهد، که توسط مجموعه این مبارزات، جنگ غالب آمده یعنی یک کامبیزی استراتژیکی کسب کردد.

اما کامبیزی پیش می‌آید که یک کامبیزی تاکتیکی یک کامبیزی استراتژیک را زیبین می‌بردیا بد تا خیرمی افکند، بتحویک در بینکونه موادیا بد از کامبیزی تاکتیکی چشم پوشی نمود.

نمونه، تبلیغات خذجتکنگ ما درین کارکران و سربازان در اوائل ۱۹۱۷ در زمان کرنیکی بدون شک نتیجه تاکتیکی منفی بدت داد، زیرا جمعیت سخنرانان مارا از سکوی سخنرانی بپائی می‌کشید، کتک میزد، بعلوه تکه‌پاره می‌گرد. توode‌ها به جانب حزب سرازیر شدند. بلکه از آن دور کشند. اما این تبلیغات بی توجهی به عددم کامبیزی تاکتیکی آن کامبیزی استراتژیکی بزرگی را مهیا ساخت. زیرا توode‌ها به زودی دریا فتنه که تبلیغات ما بر ضد جنگ صحیح بود. و این، گذا رآن را بعد از جانب حزب تسریع کرد"

(دریا راه استراتژی و تاکتیک)

امروزه، کمونیستیای ایران و عراق وظیفه خطری بعیده‌دارند. آنها با بدبودی انجام می‌کنند و بیکدیکرندیک شده و با همبستکی بیشتر می‌باشد. رزیمهای ارتقا عی دوکشور را متحدا به پیش ببرند. در این جنگ غیرعادلانه‌ای کمدرکیر شده است، تنها یک جنگ عادلانه از سوی کارکران، دهقانان و زحمتکشان شهری هرکشور علیه رزیم را ارتقا عی خودی است که می‌تواند جوابی منطقی باشد. در تدارک این جنگ عادلانه، همبستکی کمونیستیای ایران و عراق، شرطی لازم است.

اگر کمونیستیای ایران تنها انقلاب ایران را در نظرداشته و انقلاب عراق را نادیده بگیرند، اگر هر یک بورژوازی متخا صراحت‌شون انقلاب خودی فرض کرده و ازا همیت یکسان انقلاب در تما منطقه غافل باشند، اگر در نظر نگیرند که امپریالیستها مخالف و بوبیزه امپریالیسم آمریکا، سوسیال امپریالیسم شوروی، نه فقط برای سرکوب انقلاب این کشور با آن کشور بلکه برای خفه کردن انقلاب در تما منطقه و تقسیم مناطق نفوذی خود را بت می‌کنند و... آنکه این کمونیستها هر کزقا در نخواهند بود که از موضوع مستقبل پرولتئری برخوردا را بوده و تی شک به پرولتا ریای خود و همچنین به انترنا سیونا لیسم پرولتری خیانت خواهند کرد. انترنا سیونا لیسم پرولتری حکم می‌کند که کمونیستها هر دو کشور برای ایجادیک صفاحد در مقابل رزیمهای ارتقا عی خودی کوشش نمایند.

## کار مادر شوار ولی آینده، درخشنان است

تبلیغ تحریم جنگ تحمیلی و تبدیل آن به جنگ انقلابی، قیام برای کسب قدرت توode‌ای در مناطقی که توode‌ها آمادگی این کار را دارند... طبعاً بمفهوم شناکردن. برخلاف جریان آب است. بعارت دیگر ایستادن "در مقابل موج شوینیسم بورژواشی" و خرد بورژواشی در میان توode‌ها و فکار رو بیرونیستی و ترهات سوسیال شوینیستی در میان روش فکران است. واضح است که در چنین شرایطی، ایستادن و مقاومت در

جنگ تحمیلی ارتقای را به جنگ علیه ارتقای  
تبديل کنیم!

توده های نا آگاه ایران و عراق را از سر شست  
ارتقای این جنگ آگاه سازیم!

علیه تو طئه های امپریا لیستی با تکیه بر قدرت  
توده ها مبارزه کنیم!

بر قرا ربا د جمهوری دمکرا تیک خلق!

**سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر**

۵۹/۷/۲

۱ علامیه شماره ۹۶